

شهید قاسم کاظمی



سامانہ جامع سرداران و دوہزار شہید استان بوشهر

نام پدر	سلمان
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۰۲/۱۰
محل تولد	بوشهر - دیر
تاریخ شهادت	۱۳۶۶/۰۱/۱۲
محل شهادت	سلمچه
مسئولیت	
نوع عضویت	روحانی
شغل	طلبه
تحصیلات	
مدفن	ارومیه

زندگینامه

روحانی شهید حاج قاسم کاظمی در سال ۱۳۴۴ در خانواده ای مذهبی و عاشق اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در روستای چاه پهن از توابع شهرستان دیر دیده به جهان گشود. دوران کودکی را با محبت اهل بیت (ع) سپری کرد و در سن ۷ سالگی پا به وادی علم و ادب، یعنی مدرسه گذاشت و دوران ابتدایی را با جدیت و موفقیت پشت سپری نمود و از دانش آموزان ممتاز مدرسه به شمار می رفت. شهید کاظمی، علاوه بر تحصیل، به علت فقر مادی به کار جهت امرار معاش خویش و خانواده نیز می پرداخت. از آنجا که این شهید عزیز علاقه زیادی به متون دینی داشت و در خفقان رژیم پهلوی با مطالعه کتاب های شهید مطهری و دکتر شریعتی، سعی در بالا بردن آگاهی و سطح علمی خود نمود.

با آغاز مبارزات مردم ایران علیه رژیم پهلوی، شهید نیز به سیل عظیم مخالفان پیوست و به مبارزه علیه آن رژیم پرداخت.

از آنجایی که به علوم دینی علاقه داشت به جرگه ی طلاب علوم دینی در آمد تا بتواند چراغی جهت هدایت مردم در این برهه از دوران زندگی خود باشد.

با شروع جنگ تحمیلی و حمله عراق به سرزمین اسلامی، ایران، شهید کاظمی با پیوستن به صف بسیجیان و حضور در جبهه و ارشاد و راهنمایی جوانات، جهت حضور در صحنه ی نبرد علیه دژ خیمان بعثی عراق، تلاش فراوان نمود و خود نیز در عملیات های مختلف از جمله طریق القدس، والفجر ۸ و □ حضور پر شور داشت.

شهید در پشت جبهه، در آذربایجان غربی، به عنوان دادیار دادرای پاسداران سنندج و دادرای پاسداران عمومی ارومیه فعالیت می نمود.

شهید در زمان حضور خود در جبهه، از نواحی مختلف بدن دچار مصدومیت گردید. با عشق و علاقه ای که به خاندان عصمت و طهارت داشت، توانست دوبار به زیارت عمه سادات، حضرت زینب کبری (س) مشرف شود و جهت تکمیل فرایض دینی و پاک شدن از معاصی و پیوستن به معبود، به مکه معظمه و مدینه منوره مشرف گردید.

پس از بازگشت از خانه خدا و زیارت ائمه بقیع (ع) با قلبی پر از عشق به خدا، برا پیوستن به دوستان و رزمندگان عاشق خدا، عازم جبهه های نبرد حق علیه باطل شد و ثمره این حضور، پیوستن به لقا □ پروردگار در کربلای خون رنگ ایران، شلمچه خونین در عملیات کربلای ۵ و در تاریخ ۱۳۶۶/۱/۱۲ بود.

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و درهم کوبنده ستمگران .

« ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون و عدأ عليه حقاً في التوراه والانجيل والقرآن و من اوفى بعهدہ من الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم به و ذلك الفوز العظيم »

«سوره توبه آيه ۱۱۱»

خدا جان و مال اهل ايمان را به بهشت خريداري کرده آنها در راه خدا جهاد کنند که دشمنان دين را بکشند يا خود کشته شوند اين وعده قطعی است بر خدا و عهدي است که در تورات و انجيل و قرآن ياد فرموده است و از خدا باوفا تر به عهد کيست ای اهل ايمان . شما خود را در اين معامله خريداري بهشت ابد به جان و مال بشارت دهيد که اين معامله با خدا به حقيقت سعادت و پیروزی بزرگی است .

قال رسول الله (ص) ان افضل عمل المؤمن الجهاد في سبيل الله

همانا برترين عمل مؤمن جهاد در راه خداست .

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كأنهم بنيان مرصوص .

قال الحسن (ع) : هذا لك الناس في ثلاثة الكبر و الحرص و الحسد

تباهی مردم در سه چیز است : بزرگی جویی ، زیاده طلبی و حسادت .

قال محمد التقى (ع) : الغضب على من تملك لوم : خشم بر زیر دستان گرفتن ، پستی است .

قال العسكري (ع) : انكم في اجال منعوقيه و ايام ممدوده و الموت باتي بغيه

کاملترین سرمایه ادب آن است که از آنچه از دیگران بد میدانی خود دوری کنی .

قال الصادق (ع) : الداعي بلاعمل كالرامي بلاوتر :

اندرزگویی که خود اهل عمل نیست چون تیرانداز یاست که کمان ندارد .

قال النبي (ص) : شر الناس من الهمه الناس اتقا شره :

بدترین مردم کسی است که مردم از روی ترس او را احترام کنند .

قال علي (ع) : شر الناس من يري انه خيرهم :

بدترین مردم کسی است که خود را بهتر از دیگران ببیند .

قال العسکری (ع): راک والاذاعه و طلب الزقاسه فانهما عوان الی الهلکه :

از شهرت طلبی و حب جاه پرهیزید چه این دو صفت ترا به هلاکت می کشانند .

با سلام و درود به پیشگاه یگانه منجی عالم بشریت حضرت حجه بن الحسن العسکری ارواحنا له الفداه و نایب برحقش این ماه تابان و ستاره های درخشان اطرافش و با سلام و درود بر شهیدان راه خدا از صدر اسلام تا کنون و برادران و خواهرانی که در راه استوار نگاه داشتن پرچم حق شهید شدند و شهدا گمنام و ادامه دهندگان راه آنان خصوصاً اسیران و جانبازان و رزمندگان جان بر کف اسلام .

ستایش خدایی را که ما را آفرید و به ما نعمت های فراوانی عطا فرمود و راهی نیک برای ما قرار داد و ما را ملزم به رعایت کردن این راه کرد . و کسانی که از این راه پیروی کردند پاداش بس عظیم خواهند داشت . با شکر گذاری از خداوندی که در نهایت گناه توبه پذیر است و در نهایت ناسپاسی روزی رسان است .

بارها اطاعت می کنم به خاطر سزاوار بودن و شکر می کنم که ما را در چنین موقعیتی قرار دادی و چنین نعمتی به ما عطا کردی و جهاد را وسیله ای قرار دادی که با کمال سرعت به وجه تو برسیم و این زنجیرها را پاره کنیم .

خدایا مؤمن نیستم ولی دنیا برایم همانند زندان شده است و زندگی دشوار . خداوندا مرگ با عزت به همه ما عطا فرما .

حال کیست که اینطور اندرز بگیرد و از این جاهلیت بیرون آید و خود را به کاروان مخلصان برساند و خود را از این منجلاب مادی بیرون برهاند، البته که یقین به آخرت بدست نیاید مگر با داشتن ایمان و ایمان به وجود نمی آید مگر بریدن از تمام زیبایی های دنیوی و ترک محرمات و مکروهات و بجا آوردن واجبات و مستحبات و خاشع و متواضع بودن در برابر خداوند در نماز و روزه و غیره . فکر نمی کنم نوشتن این حقیر ثمری داشته باشد چه بسا کسی که تمام عمر خود را بیهوده صرف کرده حال در آخرین لحظات عمر خود می خواهد توبه کند . وصیت به چه ؟ اگر ما حرف گوش کن بودیم از ائمه (ع) درس می گرفتیم و غافل نمی شدیم .

دوستان و برادران و کسانی که به عنوان مسلمان ، نماز و روزه بجا می آورید دنیا امتحانی بیش نیست ، امتحان در اخلاق و اخلاص و تقوا و ایثار و تواضع و غیره . باید این را بدانیم تا زمانی که دینی به نام اسلام روی زمین برقرار است جنگ با ظلم و ستم ادامه دارد . خداوند امتحان پس می گیرد و بندگان مخلص خود را گلچین می کند . کیست که خود را به این نور برساند جزو السابقون السابقون المقبولون گردد و خود را از مهر او لبریز کند و خود را عاشق گرداند . امام صادق (ع) میفرماید : القلب حرم الله ولاتسکن حرم الله غیر الله .

یکی از درهای دیگر توبه است . انسان نباید از توبه غافل شود و باید همیشه توبه پذیر باشد . در تمام طول عمر خود نتوانسته به خودم به تنهایی که دنیا محل استراحت نیست و تمام از آخرت غافل بودم . هر کس دنیا را برای خود ساخته باشد یا در فکرش باشد در آخرت جایی ندارد و به قول پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) انسانها باید مثل مسافری زندگی کنند و خود را دلبنده خانه و زندگی ، زن و فرزند نکنند . ای برادران و خواهران مخصوصاً بسیجیان و پاسداران و روحانیون و همکاران عزیز ، آبروی اسلام هم اکنون در دست شماست و در حال حاضر این حکومت و اسلام امانتی است که به دست ما رسیده از زحمات پیامبران و امامان و ائمه اطهار (ع) و شهیدان؛ ما باید این امانت را به صاحب اصلی اش تحویل دهیم . عظمت امام را درک کنید و خود را از خط وی خارج نسازید و بدانید پیروی از ایشان یک امر واجبی است و نگذارید ملت ها بعد از شما پند و اندرز بگیرند و مانند قوم نمرود و

فرعون شوند. سعی کنید جنگ را فراموش نکنید. به خداوندی خدا قسم اگر از امام و یاران صدیقش پیروی نکنید ضربه خواهید خورد و پشیمان میشوید فکر نکنید کسانی که میروند و شهید میشوند دیگر مسؤلیت شما سلب می گردد در قبال اسلام و جهاد و غیره و این را بدانید که شهیدان به گردن همه شما حق دارند.

خدایا وقتی خودم را می بینم که چقدر گناهکارم، چقدر معصیت کرده ام؛ چقدر کفران نعمت و ناسپاسی کرده ام خجالت زده می شوم، وقتی به فکر این همه بار سنگین می افتم که باید من بنده ضعیف و ذلیل بدوش بکشم تحملش را ناممکن می بینم نمیدانم چطور جوابگوی حضرت حق باشم. نمیدانم چطور جوابگوی اینهمه ایثارگریها و جانفشانیهای رزمندگان و این همه خونهای پاک و به ناحق ریخته باشم از درگاه خداوند بزرگ شرمنده و خجل نمی توانم خودم را یک بنده بنامم زیرا بنده یعنی فرمانبر و من در مقابل خدایم نافرمانی کرده ام؛ خدایا مرا ببخش، خدایا مرا عفو کن نمی توانم با این بار سنگین و بزرگ در این دنیای تنگ زندگی کنم.

وای بر من اگر خودم را بیشتر از اسلام دوست داشته باشم، وای بر من اگر به دنیای فانی علاقمند باشم. وای بر من اگر برای خدمت هایی که نکرده ام به خودم بیالم؛ وای بر من اگر ریا گروه باشم، وای بر من اگر غیبت و دروغ و اگر کارهای دیگری انجام داده باشم. خدایا مرا ببخش چون دیگر طاقت اینهمه گناهی که کرده ام ندارم می - خواهم اگر خداوند قبول کند جان بی ارزشم را فدای اسلام و قرآن کنم همانگونه که امام حسین (ع) در صحرای کربلا کرد و همانگونه که رزمندگان اسلام، این عزیزان در جبهه های ایران کردند.

خدایا این بنده گناهکار را بپذیر. خدایا این بنده ضعیف را از گرداب گناهان رها ببخش.

تنها آرزویم شهادت در راه خداوند است تا شاید بتوانم مقداری از گناهانم را بخشیده ببینم.

ای مردم غیور و روحانیون مبارز و ایثارگر همواره در پشتیبانی از امام امت استوار باشید همیشه در میدان و در صحنه باشید که اسلام شکستناپذیر است؛ دین اسلام دین خداوند و پیامبر عظیم الشان است و شما باید دین خدا را یاری کنید.

ای مردم همیشه از گناه دوری کنید همانطوریکه امام عزیزمان فرمودند: عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید. دیگر زمان گناه کردن گذشته است باید دعا کرد برای اسلام، باید جنگید برای اسلام، باید خون داد برای اسلام و باید از همه چیز خود بگذریم در راه اسلام.

ای مردم به خدا دنیا انسان را گول می زند. گول چند روز دنیا نخورید و مردان و زنان شایسته و بندگان صالح باشید برای خداوند بزرگ.

اینجانب در حالی وصیت نامه می نویسم که آماده هستم تا با کاروان عاشقان الله و حضرت امام حسین (ع) و سپاه محمد (ص) عازم کربلای دیگر چون کربلای حضرت اباعبدالله (ع) شوم، ما عاشقان حسین با آگاهی کامل به این راه که راه سرخ اسلام است قدم نهاده ایم و تنها چیزی که می تواند ما را راضی کند رضایت حق تعالی است و بنا به گفته رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام چه بکشیم چه کشته شویم در هر حال پیروزیم. ما نیز میرویم تا اسلام باقی بماند. ما با عنایت های الهی و رهبریهای پیامبر گونه امام امت این هدف را دنبال می کنیم و انشاء الله پیروزیم و هم شهادت نصیبمان می گردد.

خدمت پدر و مادرم که همیشه برایم عزیز بودید از خداوند میخواهم به شما و بقیه صبری عظیم عطا فرماید و خوشحال باشید که فرزند خود را فدای اسلام و قرآن و نظام جمهوری اسلامی کردید؛ باور کنید همیشه می خواستم شما از من راضی باشید ولی شما میخواستید من در کنار شما باشم ولی موقعیت ایجاب نمی کرد که در کنار شما باشم و باید به جبهه می آمدم چون وظیفه ام بود و از شما می خواهم از آمدن بقیه برادرانم به جبهه

جلوگیری نکنید، راحت طلبی و کنار هم بودن آنها در این زمان که به قول حضرت امام، اسلام در خطر است خلاف شرع مقدس اسلام می باشد ما باید یک روزی از هم جدا میشدیم چه بهتر زودتر آنها در چنین موقعیتی و از شما عاجزانه میخوایم که مرا حلال کنید و ببخشید و بخشش مرا از تمام دوستان و آشنایان بگیرید و حلالیت از همه شما دارم اگر توانستید دعا کنید که خداوند مرا ببخشد و بتوانم عذاب او را تحمل کنم.

مادر بزرگواریم زبانه کوچک است که زحمات طاقت فرسای تو را بازگو کنم خیلی خیلی مهربان بودی تو را خیلی دوست دارم. مادر عزیزم دوست دارم. همانند زینب استوار باش. خم به ابرو نیاور، همیشه دیگران را دلداری بده بیشتر در خانه مواظب بچه ها باش هر وقت احساس دلتنگی کردی به یاد خدا باش، نماز بخوان و دعا کن چون دلها آرام می گیرد به یاد خدا. مادرم از به شهادت رسیدن من هیچگونه ناراحت نباش و خدا را شکر کن که توانستی امانت دار خوبی باشی و امانتی را که به دست تو سپرده شده بود به صاحب اصلی آن بازگردانی. مادرم نمی گویم در شهادت من گریه نکن ولی برای ابا عبدالله الحسین (ع) و یارانش گریه کن.

پدرم، امیدوارم که مرا ببخشی میدانم که برای شما فرزند خوبی نبوده ام ولی شما مرا حلال کنید و از من راضی باشید تو باید با خانواده مهربان باشی و از شما خواهش می کنم که بیشتر در راه اسلام و قرآن قدم برداری و پشتیبان امام باش و برای خانواده یک سرپرست مهربان و درس دهنده باش. پدر عزیزم امیدوارم که به پیامهای پیامبرگونه امام بیشتر توجه داشته باشی و سنگر مسجد را بیشتر حفظ کنی و از کمک کردن برای پیشبرد اهداف اسلام دریغ نورزی.

برادرانم بعد از شهادت من راه مرا ادامه دهید و سعی کنید همانجا که اسلام به شما احتیاج دارد خدمت کنید. برادران مهربانم امیدوارم که شما مرا حلال کنید و به قرآن عمل کنید و یاور رهبر عزیزمان باشید و از کوشش در راه اسلام خسته نشوید. همیشه دعا کنید، صبور باشید و همیشه اسلام را خط مشی خود قرار دهید و در این راه از هیچکس نهراسید و از شما میخوایم در کارهایتان همدیگر را یاری کنید و نگذارید کوچکترها نماز و روزه و قرآن و دعا را فراموش و ترک کنند خواهرانم زینب وار باشید و برای پیشبرد اهداف اسلام کوشا باشید.

و حجاب اسلامی خود را رعایت کنید چون حجاب شما از خون من کوبیده تر است. عفت و پاکدامنی شما اسلام را در دنیا سرفراز میکند همیشه پاکیزه و مطهر باشید و خداوند را زیاد یاد کنید و در راه اسلام کوشش کنید، مرا حلال کنید.

همسر عزیزم مهربانم که برای رضای خدا با بنده ازدواج کردی مبادا بعد از مرگم برایم گریه و زاری کنی جای گریه مشت محکم خود را بر دهان یاوه گویان شرق و غرب بکوب.

همسر عزیزم پسرمان توحید را طوری تربیت کن تا در آینده اسلحه خونآلود پدرش را بر دوش بکشد و به جنگ دشمنان اسلام رود. او را یک فرد خط امامی تربیت کن، و زمانی که بزرگ شد و از تو سراغ مرا گرفت به او بگو پدرت رفت تا راه کربلا را با همزمانش باز کند اما برنگشت و به آرزوی خود رسید و بر تو است که اسلحه پدرت را برداری و خود را جهت آزادی مسلمانان جهان آماده سازی.

ضمناً تو از طرف من آزاد هستی بعد از شهادتم.

پسر عزیزم توحید جان تا می توانی از خط امام پیروی کن مبادا روزی خدا نکرده خط خود را از امام جدا سازی چون حرف امام حرف انبیا و امامان است. پسرم از گناه دوری کن هر چه گناه کوچک باشد و این را بدان که گناه، ایمان انسان را می سوزاند. توحید عزیزم باید حقیقت را برایت بگویم پدرت و امثال پدرت باید در راه اسلام فدا شوند تا دین خدا برقرار بماند.

ضمناً اگر ما در این راه دعوت شدیم سعی کنید از تشریفات دست بکشید راضی نیستم کسی به خاطر بنده یک قدم اضافه بدارد؛ دوست داشتم گمنام باشم بینم خاص(خواست) خداوند در چیست و از پدر و مادر و خواهران و برادران و همسر و پسر و توحید و دیگر دوستان و اقوام و بستگان و همسایگان و همکاران و ملت شهید پرور و تمام مردم آزاده دنیا مخصوصاً روحانیون میخواهم فقط و فقط از خط امام خارج نشوید و جنگ را سرلوحه تمام کارهای خود قرار دهید و از شما میخواهم که به این پیراهن خاکی و پاره بسیجیان، این عاشقان درگاه حق تعالی احترام بگذارید که آنها مقربان درگاه پروردگارانند و هر کس در هر کجا و در هر لباس و در هر پستی بخواهد بر خلاف این کار عمل کند مدیون خون پاک شهیدان و جان برکفان است. در آخر تمام اثاث منزل و فرزندم توحید را به همسر می بخشم و کسی حق دخالت در اموالم به جز همسر و فرزندم توحید ندارد و هیچ کسی نمی تواند فرزندم را از مادرش جدا کند چون ایشان را به مادرش بخشیده ام. چند سال روزه و نماز برایم بجا آورید و مبلغ بیست هزار تومان از اموالم به فقرا و کسانی که احتیاج دارند در راه خدا بدهید. همه شما را به خدای بزرگ می سپارم.

خدایا مرگ مرا شهادت در راه خود قرار ده تا به کسانی که حقیقت نمیدانند و اینکه میدانند و میخواهند بدون مسئولیت از کنار آن عبور کنند یا اینکه نمی خواهند حقیقت را بدانند ثابت شود که ما شیفتگان خدمتیم نه تشنگان قدرت.

بزرگ فلسفه شاه دین این است

که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

جنگ جنگ تا پیروزی و رفع ظلم و ستم در عالم

با تقدیم احترامات فراوان به پیشگاه حضرت حق و امام زمان و نایب برحقش و یاران صدیق وی و شهیدان، اسیران و جانبازان راه حق و حقیقت و خانواده های آنها و پدر و مادر و برادران و خواهران و همسر و پسر و امت اینارگر ایران و همکاران عزیز و روحانیون مبارز.

مورخه ۸/۹/۶۵ - الحقیق قاسم کاظمی



سامانہ جامع سرداران و دوحہ ششمیہ استان بوٹھر